

جلب مهاجرین اروپائی

در سال ۱۲۴۲

در سال ۱۲۴۲ قمری (۱۸۲۳ میلادی) که عباس میرزا نایب‌السلطنه ولیمهد ایران حکمران آذربایجان بود و در آن دیار اقامت داشت در جزو چاره های دیگر که در آبادانی قلمرو حکومت خویش اندیشیده است بفکر این افتاد که بعضی از مهاجرین اروپائی را برای عمران حوزه ماسوریت خود جلب کند . این شاهزاده بلاشک بزرگترین مردیست که از خانواده قاجار پدید آمده است و از جمله صفات بزرگی که داشته اینست که طبعاً و جلا متجددو مایل بترقی و آبادی ایران بوده است و هرقدمی که در تجدد و ترقی ایران در آن زمان برداشته شده از قبیل اصلاح قشون ایران و تشکیلات اروپائی در نظام ایران و استعمال اسلحه جدید و فرستادن شاگرد باروپا و جلب صنعتگران اروپائی و رواج علوم و صنایع جدید در ایران از ساعی او بوده است چنانکه آبله کوبی نخست در زمان او و در سال ۱۲۳۸ در تبریز معمول شد و نخستین چاپخانه ای که در ایران مفتوح گشت مطبعه سربی بود که در سال ۱۲۴۰ در تبریز وی دایر کرد و بعضی کتب در آن مطبعه چاپ شده است که در سنوات ۱۲۴۰ و ۱۲۴۱ و ۱۲۴۲ و ۱۲۴۳ و ۱۲۴۴ و ۱۲۴۵ انتشار یافته .

۱۷۹

اما بلا شک مهمترین خیال او جلب مهاجرین اروپائی بایران بوده است که در آن زمان با آن مقتضیات مادی و معنوی و انکاریکه مخصوصاً در آذربایجان رواج داشته باید این خیال را یکی از آن شجاعت های دانست که بندرت در دماغ اشخاص ظاهر میشود و در ضمن واضحست که در جلب تمدن جدید تاچه پایه مؤثرست و بمنزله پی و اساس تمدن محسوب میشود . متأسفانه این اقدام مهم را مورخین ایران ضبط نکرده اند و اتفاقاً مجموعه ای از همان عصر بدست نگارنده افتاد که جزو سایر رسائل و مکاتیب مهم ترجمه سه مقاله ای که در جراید لندن درین باب انتشار یافته است در آن مجموعه بود و چون مترجم آن مقالات بصراحت نام قید نکرده است که در کدام روزنامه لندن انتشار یافته یافتن عین آن مقالات بسیار دشوار خواهد بود و ناچار همان ترجمه فارسی را که در ضمن نمونه ای از انشای فارسی مترجمین آن زمانست درین صحافت درج میکنم و بقیه مطلب در ضمن آن خواهد آمد .

برای این اقدام عباس میرزا نایب‌السلطنه بمیرزا صالح که نماینده ایران

در لندن برده است متوسل شده و مشارالیه بوسیله جراید لندن مراتب را باطلاع عموم مردم اروپا رسانیده است و اینک عیناً آن ترجمه هارادرین سطور می‌گنجاند:

ترجمه فقراتی که عالیجاه میرزا صالح حساب‌الامر در خصوص دعوت نمودن اهل فرنک بمحال ساوچبلاغ در کاغذ

اخبار نوشته : کارگزار دولت ایران میرزا محمد صالح خدمات خود را تمام نموده مشغول تدارک اسباب مراجعت خودست ؛ فقره آخری که از مشارالیه موافق حکم نواب مستطاب ولیعهد دولت ایران در کاغذ اخبار ظاهر شد بدین تفصیلت : چون درین اوان خانه کوچهای بسیار از قرالهای (۱) فرنک بخواهش خودشان متفرق بسایر ممالک شده اند ، از قبیل امریقا (۲) و نیوماند (۳) و گرجستان و داغستان ، لهذا نواب معظم‌الیه بتوسط کارگزار مسطور که در شهر لندنست بمجموع اهل انگلستان و سایر قرالهای فرنک اظهار و اقرار می نماید که هرکس بخواهش خود از اهل فرنک اراده نماید در آذربایجان که تبریز پای تخت آنجاست ساکن شود و یا بخصوصه در ساوچبلاغ از توابع کردستان ، زمین و مکان که برای سکنی و زراعت ایشان کفایت نماید مرحمت خواهیم فرمود و مکان مزبور بسیار پر محصول و غله خیزست و اقسام میوه و حبوبات در آنجا بیهوای آفتاب بعمل می آید . علاوه بر اینکه زمین و مکان بآنها مرحمت میشود از هیچ راه توجیه و مالیات و تحمیلات دیوانی از ایشان مطالبه نخواهد شد ؛ جان و مال ایشان در حفظ و حمایت نواب ولیعهد ایران خواهد گشت و هم چنین سایر رعایای اهل ایران و آذربایجان با حرمت و عزت با ایشان رفتار خواهند کرد و اگر چه عادت اهل ایران برینست که هرکس بهر وضع که خدا را شناخته است عبادت می نمایند . با همه این باز شرط خواهد شد که هرکدام ایشان بهر وضع که خواهش نمایند خدا را عبادت کنند و کلیسیا و معبد برای خودشان بنا گذارند و هیچ کس از اهل ایران دخل و تصرف در دین و مذهب و نوع عبادت ایشان نکند . مجموع سیاحان که در ایران سیاحت نموده‌اند قائل باین هستند که ایران عادل بقاع امکانه است و کسانی که در هند ناخوش

۱۸۰

(۱) قرال کلمه ایست که از زبانهای سلاو گرفته شده و کلمه Karol روسی بمعنی شاه از همین ماده است و این کلمه در زبان فارسی در قرن اخیر و در زبان ترکی استانبولی هنوز بمعنی شاه و مخصوصاً پادشاهان اروپا استعمال شده ولی ازین عبارات پیداست که بعضی ممالک اروپا نیز استعمال کرده اند .

(۲) املائی قدیم آمریکا در زبان فارسی

(۳) New Hollande اسم جزیره استرالیا در آن زمان

می شوند برای تغییر آب و هوا و صحت بایران و آذربایجان پناه می آورند و هم چنین نواب ولیعهد ایران در ضمن این مطالب اظهار میفرمایند که بقدر مقدور سعی در راحتی و آرام و ترقی شهر هم چنان غربا که در خاک آذربایجان ساکن می شوند خواهد شد و یقین دارد که اهل ایران بسبب شدت و کثرت معاشرت با اهل فرنگستان در علوم و صنایع که این اوقات فی الجمله متروک شده است ترقی زیاد خواهند کرد. محرر این حروف در اظهار نمودن احکام شاهزاده خود لازم نمی داند که حقیقت اخلاق و حالات نواب ولیعهد معظم الیه را هم درینجا قلمی نماید؛ بعلت آنکه اخلاق حمیده و اوصاف پسندیده نواب معظم الیه درین مملکت بتوسط ایلچیان و صاحب منصبان اهل انگریز (۱) که در ایران سالها در خدمتش بوده اند و هم چنین از کتب و روزنامه های اهل انگریز و سایر قراها که در آن مملکت سیاحت کرده اند چنانکه شاید و باید مبین و آشکار است؛ لیکن بخیال اینکه شاید بعضی اشخاص بسبب عدم استطاعت و فرصت خواندن این گونه کتب و ملاقات این قسم آدمها مقدور نشده باشد، اجمالا و اختصاراً درینجا مذکور می گردد که نواب ولیعهد دولت ایران بسیار خلیق و منصف و محق و سخی الطبع و کریم الخلق و بمرتبه بسیار بلند با آبرو و صداقت است. اگر چه در ظاهر جلال و جبروت بسیار دارد، اما شکسته نفسی و متعارف و خوش صحبت بودنش تفوق تمام بآنها دارد؛ صاحب طبع بلند و ذهن سلیم و دراکه مستقیمست؛ در سخن گوئی و نکته سنجی بمرتبه ای مهارت دارد که مو را از مو جدا مینماید و هر کدام این اوصاف را در جای خود خوب بمصرف میرساند از جان و دل دوست و خواهان تقوی و پرهیز کاری و مروج دینست و در اعتقادات خود وسواس و تعصب ندارد و کمال گشاده دلی و شرح صدری درین ماده دارد. با همه آن اختیار و اقتدار که در گذراندن کارها دایم با عدالت و انصاف بلکه با گرم رفتار می نماید؛ از ته قلب طالب و شایقست که رعیت خود را در علوم صنایع و حسن سلوک بقدر قوه و مداخل خود تربیت نماید. حقیقه با صداقت و انصاف می توان گفت که نواب معظم الیه غیر النهایه جمیع صفات حسنه را که برای پادشاهی لازمست دارد.

پس از انتشار این مقاله در یکی از جراید لندن دو مکتوب بوسیله روزنامه های انگلستان بمس میرزا نایب السلطنه رسیده که ترجمه هر دو نیز در

۱۸۱

(۱) اسم انگلستان در آن زمان چنانکه هنوز هم گاهی در زبان عرب بهمین شکل ادا میشود

منتهی باکاف فارسی «انگریز» یا «انگلیز»

آن مجموعه هست : نخست مکتوبیست از جنمز آجیلای (۱) نام انگلیسی :

ترجمه عریضه جنمز آجیلای که بخاکپای مبارک نواب نایب السلطنه نوشته

و این فخر و آبرو را از برای خود حاصل میکنم باینکه بنواب مستطاب جناب شما خطاب کرده عرض نمایم که بجهة آن فقره که در کاغذ اخبار لندن (۲) حسبالخواهش جناب میرزا محمد صالح که در آن اوقات از طرف قرین الشرف نواب جناب شما درین دولت کارگزار بوده شیوع و بروز یافت که هر کسی از اهل این ولایت بنخواهش و رضای خود اراده توقف در آذربایجان نماید ، نواب مستطاب جناب شما زمین و مکان و مزرعه و سایر ما یحتاج که از برای راحتی و زندگانی هم چنان آمدها ضرور باشد در محال ساوچیلای من توابع آذربایجان مرحمت خواهند فرمود ؛ علاوه بر فقره مذکور فقره دیگری که بعد از مراجعت مشارالیه از لندن باز در کاغذ اخبار بروز یافت مشتمل برینکه یک نفر وکیل و کارگزار از طرف نواب مستطاب جناب شما درین مملکت معین و بر قرار خواهد شد ، بجهة اعلام و اخبار کسانی که خواهش آمدن و توقف آذربایجان را داشته باشند ، این دو فقره و اعتقاد من باخلاق پسندیده و اوصاف حمیده بخصوصه عدالت بی عدیل و همت بی نظیر و آوازه ذهن روشن و قلب سلیم نواب مستطاب جناب شما که اینها حقیقه اسم شمارا درکل قرال اقلیم اروپا بمرتبہ اعلارسانیده اند مرا واداشت باین می نماید که نه تنها خود را پیشکش خدمت وکالت و کار گزاری نواب مستطاب جناب شما نموده کسان خواهشمند را از اخلاق حسنه و کیفیت مملکت نواب مستطاب جناب شما خبردار نمایم ، بلکه هم چنین اگر ضرور و مناسب باشد از رعایا و اهل کسبه این ولایت روانه ایران نموده که در آنجا در زیر حمایت نواب مستطاب جناب شما که دوست و خیرخواه این دولت هستید بصنعت و کسب مشغول شوند ؛ در تحصیل کردن این فخر و آبرو که بنواب مستطاب جناب شما درین تخصص خطاب می نمایم با تعظیم تمام استدعای اجازت این فقره را می کنم که در مملکت وسیع نواب جناب شما جانی که قریب و متصل بدریا باشد از قبیل بندر ابوشهر ویاسایر بنادر از برای سکنه اهل انگلیس بهتر و مناسب تر خواهد شد ، بعلت آنکه رابطه و واسطه آسان بدست آنها خواهد افتاد که بسبب

(۱) اسم این شخص معلوم نشد در اصل انگلیسی چه بوده است فقط واضحست که کلمه اول آن

James بوده است .

(۲) ازینجا میتوان احتمال داد که اسم آن روز نامه انگلیسی حاوی این سه مکتوب London

News بوده باشد که از جراید قدیم لندن بوده واینکه دیگر انتشار نمی یابد و مضی تحت اللفظی

اسم آن «اخبار لندن» میشود

آن پی در پی از وطن اصلی و دوستان و خویشان خود خیر دار و مستحضر خواهند شد و علاوه برین بتوسط دریا اجناس و متاع ایران بانگلستان و متاع انگلیسی را بایران نقل خواهند نمود و اگر مکان و مأوی اهل این ولایت در محال ساوجبلاغ ، چنانکه در کاغذ اخبار جناب میرزا محمد صالح مذکور نموده بود ، معین و برقرار شود آن وقت ضرورت که بمردم حالی نمود که سکنی نمودن آنها در یکی از بنادر اولابسیار دور از دست و ثابا باعث زیادتی خرج خواهد شد ؛ مکتوبات و اموال شما بتوسط دریای آق‌دنکر (۱) و یا دریای فارس بشما خواهد رسید ؛ زیرا که هیچ چیز نمی تواند زیادتر از رابطه سریع و آسان نسبت بوطن اصلی خودشان اهل انگریز را در ولایت غربت آنگه دارد و عدم آن دایم آنها را دلگیر و پریشان می کند ، از برای تسهیل و زود بانجام رسیدن هم چنان ولایت تازه که نواب مستطاب جناب شما اندیشه و فکر نموده است بنا بعقل کمترین و قاعده ممالک فرنک اولی و انطب اینست که کشتی از برای حمل و نقل آن آمدها با اموال و اسباب ایشان یا اجاره نموده و یا اتباع شود ؛ بعلم آنکه در میان این آمدها شاگرد و عمله بی معونت بسیار میشود که قادر باخراجات همچنان سفر دور و دراز نیستند . لیکن خریدن کشتی از برای این عمل بهتر از اجاره کردنست زیرا که اولاً از برای شهرت و حرمت بیرق ولیمهد ایران باو نصب میشود . اگر خواسته باشند همان کشتی را بزبور اسلحه ایران آرایش میدهند و دفعه اول حکمرانی همان کشتی را یکی از افسر (۲) های صاحب وقوف اهل انگریز محول میفرمایند که نصف عمله آن اهل انگریز و نصف دیگر آن از اهل ایران باشند .

ثانیاً این کشتی همین آمدها را با مایحتاج ایشان بمقصد حمل و نقل میکند بلکه متاع ایران را بانگریز و متاع انگریز را بایران می آورد و اگر از برای قشون و رعیت نواب مستطاب جناب شما و حضرت پادشاه ایران اسباب جنگی و صنایع و زراعت ضرور باشد همین کشتی می آورد و این رابطه دائمی که در میان این دودولت بهم میرسد الی غیرانهایه باعث میشود برای آسایش و آرام اهل انگریز که در زیر حمایت نواب جناب شما ساکن خواهند شد و بمرور منافع کلی ازین رابطه بدولت علیه ایران بعمل می آید و ازین هم موافق عقل و ضابطه

(۱) اسم دریای خزر بنا بر تسمیه ترکی و معنی تحت اللفظی آن دریای سفیدست (آق یعنی سفید و دنکرز یادکرز و یا دکیز دریا)

(۲) این کلمه بمعنی صاحب منصب میباشد باصطلاح آن زمان ماخوذست از کلمه Officer انگلیسی که از لفظ Officier فرانسه آمده و Offizier در آلمانی و (fitser) در روسی از همان ماده است .

مشخص و معلومست که از منافع حمل و نقل اجناس این دو دولت بهمیدگره تنها میتوان که يك کشتی علیحده هم خرید ، بلکه همچنین اخراجات عمله وسایر تدارکات این دو کشتی هم بیرون میآید . اما اگر کشتی اجاره شود اولاً کرایه زیاد خواهند خواست و ثانیاً اخراجات آن بی اندازه خواهد شد و ثالثاً رابطه پی درپی که برای اهل انگریز الی غیرالتهایه اسباب تحریک و تحریضت از دست خواهد رفت . میدانم که شهر تازه باین وضع بنا نهادن اخراجات بی حد میخواهد؛ اگر باین اخراجات متحمل شدن از مداخل ولایات متعلقه بنواب مستطاب شما ناگوار و غیر مقدور باشد با هزار عذر میخواهم عرض نمایم که کمترین میتوانم هر مبلغ وجهی که از برای اتمام این امر و یا جنگلهای غلیظ (۲) و یا هرکار دیگر که نواب مستطاب جناب شما و یا حضرت پادشاه ایران خواهش فرمایند از قرار صدو پنچ جابجا نماید، لیکن چون از برای انجام رسانیدن این خدمت از طرف قرین الشرف نواب جناب شما چند نفر وکلا و مباشر و نویسنده ضرورست و آنها هرکدام اخراجات و مواجب میخواهند و حمل و نقل و تفاوت وجه و رسیدن در هرشش ماه انتفاع اصل پول آنها هرکدام سوای از انتفاع اصل وجه قرض شده ضررعلیحده بنواب مستطاب جناب شما خواهد شد ، لهذا بحساب درست که من درین خصوص بدقت تمام نموده انتفاع وجه قرض شده با همه اخراجات روی هم زیادتز از قرار صدوهفت یا صدوهفت نیم نخواهد شد ، باین قاعده و دستور عادتست که اکثر دول اروپا از برای گذراندن امورات دولت از قبیل جنگ و یا بنانهادن شهر تازه و بیرون آوردن معادن پول قرض میکنند . کسانی که پول خودشان را قرض میدهند همین قانع باین هستند که انتفاع پول آنها موافق قرارداد بایشان برسد . پادشاهان هروقت که خواهش نمایند میتوانند یا تمام یا جزء وجه اصلی آنها را رد فرمایند ، امیدوارم که نواب مستطاب جناب شما از راه نیک نفسی و حسن اخلاق تمام عرایض کمترین را مقرون بصدق دانسته یقین نماید که من بسکه اخلاق پسندیده و اوصاف حمیده نواب مستطاب جناب شما را در کاغذهای اخبار و قزتها (۱) دیده و از آن مکرر شنیده ام و مملکت ایران در ایام سلف تفوق و رجحان بسایر ممالک داشت . چنانکه تواریسخ و سیر شاهد این مدعاست ؛ در این اوقات بسبب ملوک و طوایف و بعضی سوانح از حلیه جلال و جمال افتاده رو بتزل وانحطاط گذاشته است . الحال چنان مشاهده می شود که گویا مدیر کارخانه عالمیان خلقت وجود مسعود نواب جناب شما را

باعث نظم امور ایران و علت آسایش ایرانیان نموده است . بنابر این کمترین هم آرزومند این مطلبست که بلکه ازین برکت نواب جناب شما جزئی بهره‌ای ازین نعمت عظمی برده باشد . لهذا اقرار میکنم که بانجام خواهم رسانید از برای نواب مستطاب جناب شما قریب بر بیست کرور باجاقلو (۱) از خود و منسوبان خود بقرار اتفاقی که تفصیل آن ذکر یافت ؛ بهر لقب و بهر منصب که نواب مستطاب جناب شما کمترین را لایق و قابل دانسته سرافراز فرمایند . امیدوارم که من خدمت محوله خود را با تمام صداقت و آبرو و درستی بانجام خواهم رسانید و دایم خواهشمند و طالب نفع و بلندی دولت و مملکت نواب جناب شما خواهم شد . همین عرض را دارم که زیادتز نمایم که در تمام این دعوای گذشته که در آسبانیول (۲) و پور تقال و فرنس (۳) اتفاق افتاد منصب نایب سوراتچی‌باشی (۴) تمام قشون پادشاه انگلستان بامن بود و اکثر اوقات در دسته قشون قرالهای متفق شده که سردار کل ایشان دوک ولینقتان (۵) بود نایب جنرال (۶) بودم ، يك منصبی که اعتماد بسیار میخواهد و آن خدمت را من با تهنائی جدوجهد و صداقت بولایت و پادشاه خود بانجام رسانیدم؛ درینجا معروف هستم و در زیر حمایت شاهزادگان عظام شاهزاده کلارنص (۷) و شاهزاده صسقص (۸) و شاهزاده کم‌بردج (۹) که اینها برادران پادشاه این ولایتند بآرام و راحتی زندگانی میکنم . قطع نظر ازین شاهزاده‌ها بدوک ولینقتان و جنرال لاردهل (۱۰) باتمام خاطر جمعی برای تحقیق اخلاق و صداقت و نجابت و تربیت

(۱) باجاقلو بترکی یعنی کسی که پای بلند یاقد بلند دارد واین کلمه اسم پول طلائیست که عیار بسیار

کم دارد و هنوز در آذربایجان رایجست ودر اصل ترکی «باجاقلی» یا «باجاقلی» می‌نویسند

(۲) اسپانیا یا اسپانی

(۳) فرانسه

(۴) سوراتچی یا بامالی اصل سیورساتچی ماخوذ از کلمه مغولی «سیورسات» یعنی تدارکات و آذوقه و «چی»

برای نسبت و سیورساتچی باشی همان منصبیست که باصطلاح امروز رئیس مباشرت باید گفت

(۵) Duc de Wellington سردار معروف قشون انگلیس و فاتح جنگ واترلو

(۶) ظاهر این کلمه ترجمه Lieutenant - Général است که باصطلاح امروز سپهبد باید ترجمه کرد واز مناصب بزرگ قشون اروپا در آن زمان بوده است .

(۷) Duc de Clarence یکی از القاب برادران پادشاه انگلستان .

(۸) Duc de Sussex که آنهم از القاب برادران پادشاه انگلستان بوده

(۹) Duc de Cambridje که آن نیز از القاب برادران پادشاه انگلستان بوده .

(۱۰) اسم این شخص نیز معلوم نشد و احتمال میرود کلمه اول «لارد» همان لفظ Lord

انگلیسی باشد. و در آن زمان یکی از سرداران قشون انگلستان بوده است با اسم Rowland Hill General که ممکنست همین شخص باشد